

تدبر در حدیث و سیره معصومین (علیهم السلام) - استاد ضرابی

بسم الله الرحمن الرحيم وصلى الله على محمد وآله الطاهرين

هجدهم ذی الحجه ۱۴۴۲ مطابق با ۱۴۰۰/۵/۷

عید سعید غدیر خم

را به پیامبر و اهل بیت (علیهم السلام) و همه منتظران ظهور و ارادتمندان و موالیان و محبین اهل بیت عصمت و طهارت به ویژه سادات تبریک و تهنیت عرض می‌کنم و بهترین بهره‌های از این مناسبت خجسته برای همه خاصه شیعیان و مسلمانان و محرومین جهان از خداوند مسئلت دارم.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ الْمُسْلِمِينَ، وَيَعْسُوبَ الْمُؤْمِنِينَ، وَ إِمَامَ الْمُتَّقِينَ، وَقَائِدَ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ، وَ رَحْمَةَ اللَّهِ وَ بَرَكَاتِهِ؛ أَشْهَدُ أَنَّكَ أَخُو رَسُولِ اللَّهِ، وَ وَصِيُّهُ، وَ وَارِثُ عِلْمِهِ، وَ أَمِينُهُ عَلَى شَرِّعِهِ، وَ خَلِيفَتُهُ فِي أُمَّتِهِ، وَ أَوَّلُ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ صَدَّقَ بِمَا أُنْزِلَ عَلَى نَبِيِّهِ

بشارت از خدا به آل فاطمه تجلای غدیر، مبارک بر همه

پیامبر(ص) در غدیر خم دست علی را گرفت و بلند کرد و مردم را به ولایت او دعوت نمود، هنوز از هم جدا نشده بودند که این آیه(اليوم اكملت لكم دينكم...) نازل شد، رسول خدا (ص) صدا زد: «اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى إِكْمَالِ الدِّينِ وَ إِيْمَامِ النُّعْمَةِ وَ رِضَى الرَّبِّ بِرِسَالَتِي وَ الْوَلَايَةِ لِعَلِيٍّ، ثُمَّ قَالَ لِلْقَوْمِ: مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ - خدا بزرگ است؛ همان خدایی که دین خود را کامل و نعمت خود را بر ما تمام کرد، و از رسالت من و ولایت علی راضی و خشنود گشت.» سپس به مردم فرمود: هر کس که من مولا و رهبر او هستم، علی مولا و رهبر اوست»

موضوع تدبر:

راه‌آورد غدیر و ارمغانی که در دستان ما نهاده شده و نیز راه بهره‌برداری از آن در فرمایش رسول خدا (ص) چیست؟ پاسخ اجمالی این است که وقتی رسول خدا (ص) دیدند که ارکان هدایت و اساس سعادت در غدیر مستقر گردیده، زبان به تکبیر گشوده، خداوند را بر اکمال دین، اتمام نعمت و رضایت ربّ به رسالت و ولایت ستودند. (یعنی که اکمال دین و اتمام نعمت و رضایت خدا و رسول همه به دنبال قبول و پیروی از ولایت است) آنگاه راه بهره‌گیری از این همه موهبت الهی را در یک فرمان خلاصه نمودند: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ» می‌دانیم که همه چیز از جمله رهایی از نفس و شیطان و از بتهای گوناگون بیرون و درون و دست یافتن به آرامش روح و جان همه در سایه ولایت حق تعالی و از طریق ولایت امام تحقق می‌یابد.

اشتیاق پیامبر(ص) به دیدار ولایت‌پیشگانی که پیامبر و امامشان را ندیدند!

پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: «آیا می‌دانید اندوه من از چیست و به چه می‌اندیشم و به چه چیزی اشتیاق دارم؟» اصحاب عرض کردند: «نه ای رسول خدا (صلی الله علیه و آله)! به هیچ‌کدام از این‌ها آگاهی نداریم. خودتان ما را از اندوه و اندیشه و اشتیاقان آگاه فرمایید». پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: «أَخْبِرُكُمْ إِنْ شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ تَنَفَّسَ وَ قَالَ هَاهُ شَوْقًا إِلَى إِخْوَانِي مِنْ بَعْدِي فَقَالَ أَبُو ذَرٍّ (رحمة الله

علیه) یَا رَسُولَ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) أَلَسْنَا إِخْوَانَكَ قَالَ لَا أَنْتُمْ أَصْحَابِي وَ إِخْوَانِي يَجِئُونَ مِنْ بَعْدِي - به خواست خدا به شما خواهم گفت». آنگاه نفس عمیقی کشیده و فرمود: «آه! چقدر مشتاق [دیدن] برادران بعد از خودم هستم! ابوذر (رحمة الله علیه) عرض کرد: «ای رسول خدا (صلی الله علیه و آله)! آیا ما برادران شما نیستیم؟» فرمود: «نه! شما اصحاب من هستید و برادرانم بعد از من خواهند آمد. منزلت آن‌ها همچون منزلت انبیاست. آن‌ها مردمانی هستند که به خاطر جلب رضایت الهی از پدران، مادران، برادران، خواهران و بستگانشان دوری می‌گزینند... ای ابوذر (رحمة الله علیه)! خنده آنها عبادت، سرورشان تسبیح، خوابشان صدقه و نفس‌هایشان جهاد است. خداوند در هر روز سه بار به آن‌ها نظر می‌کند. ای ابوذر (رحمة الله علیه)! من بسیار به آن‌ها مشتاقم». آنگاه پیامبر (صلی الله علیه و آله) چشمان مبارک خود را فرو بست و گریه شوقی نمود. سپس عرضه داشت: «خداوندا! آن‌ها را حفظ فرما و بر مخالفینشان، یاریشان نما! آن‌ها را خوار مگردان و چشمان مرا در روز قیامت به [دیدن] آن‌ها روشن فرما أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ». رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: «هر که خدا را بشناسد، دهانش را از سخن [حرام] و شکمش را از غذا [ی حرام] باز دارد و نفس خود را به روزه و نماز ریاضت دهد». اصحاب عرض کردند: «ای رسول خدا (صلی الله علیه و آله)! پدران و مادرانمان به فدایت! اینان اولیای خدا هستند؟» حضرت فرمود: «اولیای خدا سکوت می‌کنند و سکوتشان ذکر است؛ نگاه می‌کنند و نگاهشان [از روی] عبرت است؛ سخن می‌گویند و کلامشان حکمت است؛ راه می‌روند و رفت‌وآمدشان بین مردم [موجب] برکت است. اگر نبود که مرگشان [در روز معینی] تعیین شده است از ترس عذاب و اشتیاق به ثواب، روحشان در پیکر آرام نمی‌گرفت». (تفسیر اهل بیت علیهم السلام ج ۶، ص ۴۹۴)

از امیرمؤمنان درباره این آیه شریفه «أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ - آگاه باشید که بر دوستان خدا نه بیمی است و نه آنان اندوهگین می‌شوند» (یونس/۶۲) «، سؤال شد که اولیاء خدا چه کسانی هستند؟ حضرت پاسخ دادند: «هُم قَوْمٌ أَخْلَصُوا لِلَّهِ تَعَالَى فِي عِبَادَتِهِ وَ نَظَرُوا إِلَى بَاطِنِ الدُّنْيَا حِينَ نَظَرَ النَّاسُ إِلَى ظَاهِرِهَا فَعَرَفُوا أَجَلَهَا حِينَ عَرَّ النَّاسُ سِوَاهُمْ بِعَاجِلِهَا فَتَرَكُوا مِنْهَا مَا عَلِمُوا أَنَّهُ سَيُتْرَكُهُمْ وَ أَمَاتُوا مِنْهَا مَا عَلِمُوا أَنَّهُ سَيَمِيتُهُمْ - ایشان جماعتی هستند که در عبادت خداوند متعال اخلاص ورزیدند. در زمانی که دیگر مردمان به ظاهر دنیا توجه می‌کردند، آنان به باطن آن توجه داشتند و آن زمان که دیگران به امور زودگذر دنیا فریفته شده بودند، اینان عواقب و سرانجام امور را مدّ نظر داشتند و به همین خاطر چیزهایی را که می‌دانستند آنان را رها خواهد کرد، ترک کردند و چیزهایی را که می‌دانستند موجب نابودی آنان خواهد شد، از بین بردند.» (بحار، ج ۶، ص ۳۱۹)

و نیز فرمودند: «اولیاء خدا ما و کسانی که از ما تبعیت و پیروی می‌کنند، هستند - هُمْ نَحْنُ وَ أَتْبَاعُنَا فَمَنْ تَبِعَنَا مِنْ بَعْدِنَا طُوبَى لَنَا وَ طُوبَى لَهُمْ أَفْضَلُ مِنْ طُوبَى لَنَا...» بعد فرمود: خوشا به حال ما و خوشا به سعادت آنان؛ البته بیشتر برای آنان مایه‌ی خشنودی و سعادت است». یکی از آنان پرسید: «ای امیرمؤمنان! منظور شما از اینکه بیشتر برای آنان مایه‌ی خشنودی و سعادت است، چیست؟» مگر ما و آنان هم عقیده نیستیم؟» فرمود: «نه! آن‌ها چیزهایی را تحمل می‌کنند که شما تحمل نکردید و چندان بردباری می‌نمایند که شما نداشتید».

گر راه را ز چاه باز شناسند رهروان از پرتو هدایت آل محمد است

کسب رضای حق به عمل می‌شود ولی شرط عمل ولایت آل محمد است

ولایت حق، ولایت رسول، ولایت علی و فرزندان پاکش (علیهم السلام)

آری ارمغان غدیر ولایت خداست که به ولایت و جانشینی امیرمؤمنان و فرزندان پاکش خوشنود و راضی گشت. ولایت الهی با دست علی و اولادش عالم هستی را از ظلمات به سوی نور هدایت می‌کند، «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ - خدا سرپرست و ولی مؤمنان است، آنان را از ظلمتها به سوی نور می‌برد» (بقره/۲۵۷) اولین پیام ولایت، رعایت تقوای الهی است؛

تقوا، سپردن زمام تمایلات نفس و غرایز به قانون الهی، انجام تمام واجبات است، ترک محرمات و پذیرفتن آنچه رضای خداست.

اذن ولایت، شرط اموری مانند: گردآوری، نگهداری، ساماندهی و مصرف بیت المال و اموال عمومی، طبق دستور الهی، جهاد و دفاع، جهاد مالی و اقتصادی، جهاد رسانه‌ای، امر به معروف و نهی از منکر، اجرای حدود و دیات و تعزیرات و نظارت بر معاملات و قراردادهای اجتماعی، قضاوت و داوری در اختلافات مالی و حقوقی و کیفری و غیر آن است.

امام باقر علیه السلام فرمود: «أَمَرَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ رَسُولُهُ بِوَلَايَةِ عَلِيٍّ وَ أُنْزِلَ عَلَيْهِ «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ...» وَ فَرَضَ وَلَايَةَ أُولَى الْأَمْرِ فَلَمْ يَذَرُوا مَا هِيَ فَأَمَرَ اللَّهُ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ أَنْ يَفْسَرَ لَهُمُ الْوَلَايَةَ كَمَا فُسِّرَ لَهُمُ الصَّلَاةُ... - خدای عزیز و جلیل پیامبرش را به ابلاغ ولایت علی علیه السلام مأمور گردانید. از این رو، آیه «همانا ولی شما، خدا و رسولش و کسانی که ایمان آوردند؛ کسانی که اقامه نماز و ادای زکات می‌کنند، می‌باشند...» را نازل و ولایت اولی الامر را واجب کرد؛ لیکن مردم نمی‌دانستند ولایت اولی الامر چیست. از این جهت، به پیامبر صلی الله علیه و آله فرمان داد که ولایت را برای مردم تفسیر کند، چنان که نماز را برای آنان تفسیر نمود؛ لیکن انجام این دستور الهی بر آن حضرت گران آمد و نگران شد که مردم از دینشان برگردند و او را تکذیب کنند؛ لذا به خدای سبحان رجوع کرد که در این باره چه کند؟ خدای عزوجل آیه «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ...» را نازل کرد. در این هنگام، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله امر الهی را آشکار کرد و برای اعلام ولایت علی علیه السلام در روز غدیر برخاست و به مردم امر کرد که شاهدان، این پیام را به غایبان برسانند «وَ كَانَتِ الْفَرِیضَةُ تَنْزِلُ بَعْدَ الْفَرِیضَةِ الْأُخْرَى وَ كَانَتِ الْوَلَايَةُ آخِرَ الْفَرَايِضِ... - واجبات الهی یکی پس از دیگری نازل می‌شد و ولایت آخرین آنها بود. پس از آن آیه «أَلْيَوْمَ أَكْمَلْتُ...» را نازل کرد و فرمود: لَا أُنْزِلَ عَلَيْكُمْ بَعْدَ هَذِهِ فَرِیضَةٍ قَدْ أَكْمَلْتُ لَكُمْ الْفَرَايِضَ؛ پس از این فریضه‌ای بر شما نازل نمی‌کنم؛ زیرا فرایض را برای شما تکمیل کردم.» (اصول کافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج ۱، ص ۲۸۹)

هنگامی که رسول خدا(ص)، علی(ع) را به خلافت منصوب نمود و در حق او فرمود: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ» چیزی نگذشت که این خبر در بلاد و شهرها منتشر شد. مردی به نام «نعمان بن حارث فهری» خدمت پیامبر(ص) آمد و عرض کرد: تو به ما دستور دادی که به یگانگی خدا و رسالت تو شهادت بدهیم و دستور جهاد، حج، نماز، زکات و روزه دادی و ما همه اینها را قبول کردیم؛ اما به اینها راضی نشدی تا اینکه این جوان (اشاره به علی(ع)) را به جانشینی خود منصوب کردی، و گفתי: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا مَوْلَاهُ» آیا این سخنی است از ناحیه خودت یا دستوری است از سوی خدا؟! پیامبر(ص)

فرمود: قسم به خدایی که معبودی جز او نیست، این دستور از سوی خدا است. «نعمان» روی برگرداند و رفت در حالی که می‌گفت: «اللَّهُمَّ إِنْ كَانَ هَذَا هُوَ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِكَ فَأَمْطِرْ عَلَيْنَا حَجَارَةً مِنَ السَّمَاءِ أَوْ اثْبِتْنَا بِعَذَابٍ أَلِيمٍ - خدایا! اگر این سخن حق است و از ناحیه تو، از آسمان بر ما سنگ بباران یا عذابی دردناک بر ما بیاور!» اینجا بود که سنگی از آسمان بر سرش فرود آمد و او را کشت، در همین قضیه بود که خدای سبحان این آیات (سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَقِيعٍ) (معارج ۱) را نازل فرمود. « (شواهد التنزیل، حسکانی، ج ۲، ص ۳۸۱ و ۳۸۲، ح ۱۳۰؛ مجمع البیان، طبرسی، ج ۱۰، ص ۵۳۰)

دل را ولا و حبّ علی باصفا کند هر درد را محبت مولا دوا کند

آن شاهکار خلقت و فرمانروای عشق مدحش به آیه قرآن خدا کند

فرمان خداوند بر بیعت و تأکید بر تجدید آن

شیعیان با این نکته تربیتی از غدیر آشنا هستند که در همه روزهای زندگی فرصت حداقل یک بار تجدید بیعت با پیامبر و امامان (علیهم السلام) را از دست نمی‌دهند و خدا می‌داند که چه برکاتی دارد که از جمله آنها توفیق میهمانی ائمه دین و ملاقات و همنشینی آن‌ها در بهشت خداست.

حضرت رسول(ص) در متن خطبه غدیر، بر بیعت‌گیری و بیعت کردن مردم پای فشرد، اول این که می‌فهماند که بحث امامت و پیشوایی مطرح است (نه فقط دوستی و محبت که مخالفان به آن تمسک کردند) لذا فرمود: «ای مردم! من برایتان بیان کردم و به شما فهمانیدم، و این علی است که بعد از من به شما می‌فهماند. بدانید که من بعد از پایان خطابه‌ام، شما را به دست دادن با خودم به عنوان بیعت با او و اقرار به او، و بعد از من به دست دادن با خود او فرا می‌خوانم. بدانید که من با خدا بیعت کرده‌ام و علی با من بیعت کرده است، و من از جانب خداوند برای او از شما بیعت می‌گیرم... ای مردم! شما بیش از آن هستید که با یک دست و در یک زمان با من دست دهید و پروردگارم مرا مأمور کرده است که درباره آنچه برای علی امیر المؤمنین علیه‌السلام و امامانی که بعد از او می‌آیند و از نسل من و اویند، منعقد نمودم، از زبان شما اقرار بگیرم...» آن‌گاه فرمود: «مَعَاشِرَ النَّاسِ فَبَايَعُوا اللَّهَ وَبَايَعُونِي عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ وَالْأَئِمَّةَ كُلَّمَا بَاقِيَةً - ای مردم! با خدا بیعت کنید و با من بیعت نمایید و با علی امیرمؤمنان علیه‌السلام و حسن و حسین و امامان از ایشان به عنوان کلمه باقیه، بیعت کنید» (الغدیر، ج ۱، ص ۳۹۹ و ۴۰۳؛ الیقین، سید علی بن طاووس الحلّی، ص ۳۵۸)

و نیز فرمود: «هر کس بیعت را بشکند، به ضرر خویش شکسته است، و هر کس به خدا پیمان بسته وفا کند، خداوند به او اجر بزرگی عنایت می‌فرماید...»

بی‌شک ما و بشریت تشنه هدایت، امروز بیش از همیشه به زلال هدایت بخش غدیر محتاج است. دعوت به توحید و خدامحوری در تمام امور زندگی، دعوت به پذیرش قوانین ثابت آسمانی، دعوت به پذیرش ولایت علوی و امامت آسمانی، پیام غدیر برای جهان پر آشوب امروز است. چرا که همیشه جوامع انسانی اشتباه و انحراف اعتقادی و عدم بصیرت نسبت به توحید و مدیریت کلان نظام هستی؛ اشتباه و انحراف در قانون‌گذاری و شناخت باید‌ها و نبایدها در زندگی فردی و اجتماعی و اشتباه و خیانت در تشخیص رهبری شایسته و امامت برای جامعه انسانی را تکرار کرده‌اند.

درس امروز غدیر خم برای ما تبعیت از مقام ولایت و رهبری است؛ ایشان درباره امام راحل فرموده است :

« امام راحل رحمه الله از آن جهت که روح الله الموسوی بود، فردی مثل ما بود؛ هیچ فرقی نداشت. البته استادمان بود، احترام می‌کردیم؛ سید بود، احترام می‌کردیم، تکریم می‌کردیم. این یک حکم است. اما یک فقهاتی دارد، یک عدالتی دارد، یک مدیریتی دارد، یک مدبریتی دارد، یک شجاعتی دارد، یک شهامتی دارد، یک ملکه برجسته انسانی دارد؛ این شخصیت حقوقی اوست، نه شخصیت حقیقی او. او از آن جهت، دیگر روح الله الموسوی نیست، او از این جهت «ولی الله» است، او از این جهت «نایب ولی الله» است، «نایب خلیفه الله» است، یک شخصیت حقوقی دارد. از آن جهت که شخصیت حقیقی دارد با ما یکسان است؛ ولی یک شخصیت حقوقی که دارد، فقهاتی دارد و عدالتی، مزایای فراوان برای آن شخصیت حقوقی هست که این شخصیت‌های حقیقی باید از او پیروی کنند مثلاً او اگر فتوا داد؛ وبه عنوان یک مرجع تقلید گفت: مثلاً فلان چیز واجب است، و فلان شیء حرام، عمل به آن واجب بر همه واجب است؛ حتی بر خودش. عمل به آن حرام بر دیگران حرام است، بر او هم حرام است. او از آن جهت که روح الله الموسوی است، باید به رساله خود عمل بکند، همانطوری که دیگران به رساله او عمل می‌کردند. و اگر حکم ولائی صادر کرد، گفت: رابطه ایران و اسرائیل باید قطع بشود، حکم ولائی صادر کرده است؛ عمل به این حکم ولائی واجب است که حکم انشائی است؛ نه اخباری و بر همه واجب است؛ حتی بر خودش. نقض این حکم ولائی حرام است، حتی بر خودش. مسئله ولایت فقیه هرگز بر اساس وکالت نیست؛ چون کسی قیم نیست، کسی صاحب اختیار نیست تا فقیه را وکیل کند! »

پیروی از پیام غدیر و اقتدا به ولایت امروز مصداقی از فرمایش حضرت رضا(ع) در این زمینه است که می‌فرماید: «لَوْ عَرَفَ النَّاسُ فَضْلَ هَذَا الْيَوْمِ بِحَقِيقَتِهِ لَصَافَحَتْهُمْ الْمَلَائِكَةُ فِي كُلِّ يَوْمٍ عَشْرَ مَرَّاتٍ وَ لَوْ لَا أَنِّي أَكْرَهُ التَّطَوُّيلَ لَذَكَّرْتُ مِنْ فَضْلِ هَذَا الْيَوْمِ وَ مَا أُعْطِيَ اللَّهُ فِيهِ مَنْ عَرَفَهُ مَا لَا يُحْصَى بِعَدَدٍ - به خدا قسم! اگر مردم فضیلت این روز (غدیر) را واقعاً می‌شناختند، هر روز ملائکه با آنها ده نوبت مصافحه می‌کردند، و اگر من از طولانی شدن (سخن) اکراه نداشتم، فضایل این روز را و آنچه که در این روز برای کسانی که آن را شناختند، عطا می‌شود و به حساب نمی‌آید، بیان می‌کردم.» (عیون اخبار الرضا، شیخ صدوق، ج ۱، ص ۲۱۷)

آن شیر خدا و بر جهان جل جلال

یا رب به علی بن ابی طالب و آل

اندر دم نزع و قبر و هنگام سؤال

کاندر سه مکان رسی بفریاد همه